

مقاله پژوهشی: تبیین نظری تأثیر عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مناطق

ساحلی اقیانوسی بر امنیت ملی

محمدرضا حافظنیا^۱، غلامعلی رشید^۲، ابراهیم رومینا^۳ حسین حسینی سعدی^۴

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸

چکیده

تأمین امنیت ملی، به عنوان شرط اساسی بقای کشورها، تابع بکارگیری طیف فراگیری از عناصر مادی و معنوی قدرت ملی است. با توجه به تأثیر موقعیت و ویژگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی بر قدرت و امنیت ملی، تبیین نظری رویکرد کشورها به فراوری ظرفیت‌های مناطق و قلمروهای ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ممتاز برای تأمین امنیت ملی حائز اهمیت است. امروزه مناطق ساحلی اقیانوسی، کارکردهای امنیتی، سیاسی، اقتصادی و ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی زیادی برای کشورها دارند و اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی آنها در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی رو به افزایش است. این مناطق می‌توانند تأثیر چشمگیری بر منزلت و وزن ژئوپلیتیکی و جایگاه کشورها در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی بر جای گذارند. این تحقیق با هدف تبیین نظری تأثیر عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مناطق ساحلی اقیانوسی بر امنیت ملی انجام شده است. تحقیق از نوع بنیادی است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و از روش کتابخانه‌ای و اسنادی برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات، با بهره‌گیری از ابزار فیش‌برداری استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تحلیل تأثیر مناطق ساحلی اقیانوسی بر امنیت ملی از طریق دو متغیر میان‌گر «توسعه» و «قدرت ملی» قابل تبیین است. ویژگی‌های جغرافیایی و عوامل ژئوپلیتیکی مناطق ترکیبی ساحلی اقیانوسی (آبی و خشکی)، از طریق تأثیر بر شاخص‌های توسعه و نیز تغییر وزن و برآیند قدرت ملی کشورها، در قالب هفت عامل مکانی-فضایی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نظامی بر امنیت ملی آنها تأثیر گذارند.

واژگان کلیدی: سواحل اقیانوسی، امنیت ملی، ژئوپلیتیک، جغرافیا

^۱ استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول) hafezn_m@modares.ac.ir

^۲ استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

^۳ دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

^۴ دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

مقدمه

امروزه، سهم متغیرها و الزامات ژئوپلیتیکی در مطالعات امنیتی اهمیت بسیاری یافته است (یزدان-پناه، ۱۳۸۸: ۱۰۰). عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی را یکی از مؤلفه‌های مهم تعیین‌کننده قدرت کشورها می‌دانند (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۸). توجه به اصول و ملاحظات جغرافیایی و ژئوپلیتیکی در سیاست‌گذاری و حکمرانی، موجب افزایش بهره‌وری ظرفیت‌های در دسترس، برای کسب، حفظ و گسترش قدرت ملی و به تبع آن، ارتقای امنیت ملی کشور می‌شود (عزتی، ۱۳۷۰: ۲). بنابراین در تدوین اهداف و سیاست‌های امنیت ملی، تکیه بر عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، در کنار سایر عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی-دفاعی، همواره مورد توجه قرار گرفته‌اند. برخی مکان‌ها و فضاها جغرافیایی، دارای خصایص و ارزش‌های ویژه‌ای هستند که می‌توانند به عنوان عاملی برای تعریف مناسبات و تعاملات بین‌المللی قلمداد شده، موجب ایجاد فرم‌های ویژه-ای از وابستگی کشورها به یکدیگر شوند. مزیت‌های نسبی و مطلق فضایی-جغرافیایی کشورها، از جمله دسترسی به پهنه‌های آبی اقیانوسی-این کشورها را در کانون همکاری و تعامل بین‌المللی و توسعه و تکامل سیستم سیاسی جهان قرار می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۴۶). از این روست که پهنه‌های آبی آزاد، نقش بسیار مهمی در تاریخ ارتباطات، تعاملات انسانی و دادوستد جهانی بر عهده داشته‌اند. امروزه، بالغ بر ۹۰ درصد تجارت جهانی از طریق مسیرهای بین‌المللی آبی انجام می‌شود و حمل‌ونقل دریایی، روندی روبه‌رشد داشته، هر روز بر ارزش آن افزوده می‌شود (MARITIME KNOWLEDGE CENTRE, 2018: 1) میزان تجارت دریایی و کالاهای دادوستد شده از این راه، از حدود ۲.۶ میلیارد تن در سال ۱۹۷۰، به بیش از ۱۱ میلیارد تن در سال ۲۰۱۹ رسیده است که گویای اهمیت بی‌بدیل این پهنه‌ها در تأمین منافع و حفظ امنیت ملی کشورهاست (UNCTAD Review of Maritime Transport, 2019). از سوی دیگر، مناطق ساحلی اقیانوسی واجد فرصت‌های متنوع تعاملی در ارتباط با کنش‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی واحدهای سیاسی هستند و در گسترش روابط تجاری، ایجاد اشتغال، ثبات، امنیت، رفاه و توسعه اقتصادی بین آنها تأثیرگذارند. سواحل اقیانوسی، به عنوان مناطق ترکیبی، مشتمل بر کرانه‌های آبی، پس‌کرانه‌های جلگه‌ای و همچنین مناطق خشکی متنوع مانند عرصه‌های بیابانی، کوهستانی و جنگلی می‌باشند و می‌توانند بیشترین منافع را برای کشورهای دارنده آنها در بر داشته باشند. چنین ویژگی‌های طبیعی و محیطی دارای توانش‌ها و قابلیت‌هایی نظیر پایانه‌های مرزی، خطوط راه‌آهن،

قابلیت ایجاد بندرگاه جهت حمل و نقل دریایی، گمرک، توسعه توریسم ساحلی، تولیدات زراعی و باغی و دامداری و شیلات هستند. چنین مناطقی به دلیل تنوع فضایی از پتانسیل‌های متنوعی در امر توسعه برخوردارند و در صورت گسترش تعاملات فراملی از تنوع کارکردی در زمینه اقتصاد برخوردار خواهند شد (عاطفی، رومینا و قربانی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۲۰) اهمیت این ظرفیت‌ها زمانی برای کشورها عیان می‌شود که رابطه وثیق امنیت ملی و توسعه همه‌جانبه و پایدار تبیین شود.

در باب اهمیت و ضرورت بازشناسی و تبیین نظری جایگاه مناطق ساحلی اقیانوسی در امنیت ملی می‌توان گفت: چه از حیث جایگاه اقتصادی و توسعه‌ای مناطق ساحلی اقیانوسی و نیز کارکرد این مناطق، به عنوان صحنه‌های عملیات نظامی، امروزه مناطق ساحلی اقیانوسی و پسرکرانه‌های آن، نقش مهمی در حفظ امنیت ملی و بقای کشورها برعهده دارند. تبیین و تحلیل نظری عوامل، مؤلفه‌های بنیادین و کارکرد این مناطق و ظرفیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی آنها در امنیت ملی، شناخت و بینش مناسبی را برای مطالعات کاربردی این موضوع و نیز رفع مسائل اولویت‌دار کشور، خصوصاً در سواحل اقیانوسی مکران فراهم خواهد کرد. چرا که ایران به‌رغم بهره‌مندی از ۲۵۶۴ کیلومتر مرز دریایی (نامی و حیدرپور، ۱۳۹۱: ۲۴۲)، خصوصاً سواحل اقیانوسی در جنوب کشور که از طریق دریای عمان ایران را به اقیانوس هند متصل می‌کند، توسعه چشمگیری در حوزه دریا و اقیانوس نداشته است. هیچ یک از شهرهای مهم ایران - به استثنای بندرعباس و شرایط خاص بندری آن - در حاشیه دریا قرار نگرفته و مرکز تجمع جمعیت نیستند. بیم آن می‌رود که این روند که به دلایل ساختاری یا نوع سیاست‌گذاری‌ها تعین یافته، کماکان ادامه یابد. این در حالی است که بزرگترین مراکز تجاری منطقه جنوب غرب آسیا در نزدیکی ایران شکل گرفته و همسایگان از ظرفیت‌های دریایی استفاده کرده‌اند. (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۵: ۸).

به هر روی، مسئله اصلی این تحقیق، تبیین و تحلیل نظری تأثیر عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مناطق ساحلی اقیانوسی، به عنوان یک ظرفیت ممتاز برای تأمین امنیت ملی است، تا از گذر تعیین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های علمی، چهارچوبی نظری و تبیینی برای مطالعات کاربردی حوزه‌های مورد مطالعه فراهم نماید.

بر این اساس، هدف اصلی تحقیق: احصاء ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های اصلی جغرافیایی و ژئوپلیتیکی تأثیرگذار مناطق ساحلی اقیانوسی بر امنیت ملی و ارائه چهارچوبی نظری برای آن است. به دلیل ماهیت اکتشافی و روش به‌کار رفته، از تدوین فرضیه در این تحقیق اجتناب شده است.

مبانی نظری

پیشینه شناسی

حسن سعادت‌ی جعفرآبادی (۱۳۹۵) در رساله‌ای با عنوان «تبیین نقش ژئوپلیتیک خلیج چابهار در تحولات اقیانوس هند، با تأکید بر رقابت‌های چین و هند»، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی چنین نتیجه می‌گیرد که خلیج چابهار واجد نقش‌آفرینی ژئوپلیتیکی است و در کانون توجه قدرت‌های اقتصادی دنیا قرار دارد، زیرا از طریق پهنه‌های اقیانوس هند می‌تواند نتایج ژئواستراتژیک و اقتصادی در زمینه‌های گوناگونی از جمله حمل‌ونقل، تجارت دریایی، امنیت انتقال انرژی، شیلات و منابع دریایی برای ایران و قدرت‌های منطقه اقیانوس هند داشته باشد. از سوی دیگر، به دلیل نقش‌آفرینی ژئوپلیتیکی در پروژه‌های انتقال انرژی و کالا و خطوط ریلی، ایران می‌تواند از این ظرفیت برای تشکیل نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی، خصوصاً در اقیانوس هند بهره برده، منافع کشورهای دیگر را با ساحل دریای عمان پیوند دهد و علاوه بر ارتقاء منزلت ژئوپلیتیکی خود، با بسترسازی اجماع منطقه‌ای و جهانی، فرصت‌های جدیدی را برای تضمین امنیت ملی خود تولید نماید. در این تحقیق عوامل و مؤلفه‌های کلان ژئوپلیتیکی چابهار، با تأکید بر رقابت‌های ژئواستراتژیک، محور مطالعه قرار گرفته است و به سایر جنبه‌های جغرافیایی توسعه و امنیت در گستره وسیع‌تر مناطق ساحلی و پسرانه‌های اقیانوسی پرداخته نشده است.

هرشتین بیوجارد و ویلیام کرومپلین (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «پایان غفلت؛ اقیانوس هند در خط مقدم ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی جهان» به تبیین اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی اقیانوس هند در دوره گذار قدرت جهانی پرداخته‌اند. در این مقاله چنین نتیجه‌گیری شده است که از اواخر دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، اقیانوس هند و کشورهای مجاور آن، اهمیت بیشتری در ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی جهانی پیدا کرده‌اند. این منطقه یک چارچوب پیچیده ژئوپلیتیکی است که در آن قدرت‌های خارجی و منافع دولت‌های منطقه به شدت درهم آمیخته‌اند. از زمان پایان جنگ سرد، این منطقه یک دوره بی‌ثباتی و بازآرایی منطقه‌ای بزرگ را تجربه کرده است که تا امروز هم ادامه دارد. با در نظر گرفتن اهمیت منابع انرژی استراتژیک، اهمیت خطوط حمل و نقل استراتژیک آن، ظهور هند به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای غالب، تلاطم‌های جهان اسلام، دخالت عمیق و گسترده ایالات متحده (و متحدان) در منطقه و همچنین چین، غفلت بازیگران، نتایج زیانباری را برای منافع ملی آنان رقم خواهد زد.

محمد هادی شفیعی (۱۳۹۴)، در رساله دکتری با عنوان: «تأثیر عوامل ژئوپلیتیک دریای عمان و شمال اقیانوس هند بر تدوین راهبردهای عملیاتی نیروی دریایی ارتش ج.ا. ایران» با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی نتیجه می‌گیرد که در سیاست‌های کلان دفاعی کشور توجه ویژه به دریا و نیروی دریایی ضرورتی اجتناب ناپذیر است که این مهم در اسناد بالادستی به روشنی تصریح و تبیین شده است. در حوزه دریای عمان و شمال اقیانوس هند، پنج مؤلفه کلان ژئوپلیتیکی مؤثر شامل طبیعی، انسانی، اقتصادی، سیاسی و نظامی - امنیتی با چهار مؤلفه مهم و اساسی تدوین راهبردهای عملیاتی نداجا شامل مبانی، سیاست‌ها و اسناد راهبردی، وضعیت محیط داخلی نداجا، وضعیت نیروهای بین‌المللی صحنه عملیات و همچنین وضعیت حوزه عملیات تأثیرگذار است. این تحقیق با رویکردی کاربردی بر راهبردهای نیروی دریایی راهبردی تأکید داشته و سایر ارزش‌ها یا تهدیدات ژئوپلیتیکی را در ارتباط با تعریف موسع از امنیت ملی بررسی نکرده است. چنان که از بررسی پیشینه‌ها برمی‌آید، با وجود مطالعات ارزشمندی که در حوزه مطالعات ژئوپلیتیکی مناطق ساحلی اقیانوسی در امنیت ملی انجام شده‌اند، اما تحلیل نظری و بنیادی کلان و راهبردی از این موضوع در دسترس نیست و نتایج این پژوهش، شناخت نظری مناسبی را برای تحلیل کارکرد امنیتی مناطق ساحلی اقیانوسی برای کشورها فراهم خواهد کرد.

مفهوم‌شناسی:

تحلیل نظری و تبیین نقش مناطق ساحلی اقیانوسی در امنیت ملی مستلزم بررسی و تعریف مفاهیم و اصطلاحاتی است که به عنوان متغیر، عوامل و مؤلفه‌های مرتبط با موضوع تحقیق قابل تعریف هستند. در این رابطه مفهوم‌شناسی و تعریف عواملی مانند «امنیت ملی»، «ژئوپلیتیک و مشتقات مفهومی آن» و «مناطق ساحلی اقیانوسی» مورد بررسی، تحلیل و تعریف قرار گرفته‌اند.

امنیت ملی

امنیت ملی مفهوم نسبتاً جدیدی است که بر امنیت در محدوده مرزهای ملی و در تمایز با دیگر کشورها دلالت دارد. در تعاریف کلاسیک از امنیت ملی، بر سه مؤلفه «نظامی بودن امنیت»، «خارجی بودن تهدیدات» و «دولت به عنوان بازیگر عرصه بین‌الملل»، تأکید می‌شده است (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۵۱ و ۱۹-۱۵) و این دولت، تنها از مسیر تقویت قدرت، امنیت خود را تضمین می‌کرد. این نگاه، در نتیجه تحولات جهانی مورد بازبینی قرار گرفته است. چرا که مفروضات کهن قادر به تبیین شرایط نوین جهانی نبودند. امروزه وجوه اقتصادی، فرهنگی و حتی زیست‌محیطی امنیت، به بر ابعاد سنتی و نظامی آن چیره شده و اقتصاد و امنیت ملی ارتباط وثیقی با هم برقرار

کرده‌اند (تریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۸۳-۲۸۴). می‌توان امنیت ملی را حفاظت، تضمین بقا و سلامت کشور و حفظ تعادل ساختاری و کارکردی آن در برابر هر نوع تهدیدی با منشأ خارج یا داخل کشور و فضای ملی دانست که طی آن ارزش‌های حیاتی یک ملت در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعل با خاستگاه داخلی یا خارجی مصون نگاه داشته می‌شوند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۸۹). بنابراین تولید امنیت پایدار و فراگیر، مستلزم فراوری ارزش‌های جغرافیای انسانی و طبیعی و تکیه بر ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و مزیت‌های نسبی اقتصاد ملی در بافتار اقتصاد و تجارت شبکه‌ای جهانی است (توماس، ۱۳۸۲: ۲۲). بر این اساس وجوب «امنیت نرم» یا «امنیت ژئوپلیتیکی» که همانا استفاده از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی برای تأمین و ارتقای امنیت فراگیر و پایدار است اثبات می‌شود. توضیح اینکه، حفظ امنیت ملی، تابع طیف وسیع و فراگیری از عناصر مادی و معنوی «قدرت ملی» کشورهاست. از این رو، کشورها در جایگاه مهمترین بازیگران نظام بین‌الملل، تلاش می‌کنند تا از ابزارهای نرم و سخت قدرت، برای تأمین امنیت ملی خود استفاده کنند. به طبع، توجه به کم‌هزینه بودن، درون‌زا بودن و نیل به حداکثر منافع در بکارگیری این ابزارها مورد توجه بازیگران است؛ در نتیجه همواره استفاده از ابزارهای «قدرت سخت»، مانند نیروهای نظامی و اقدامات مسلحانه از اولویت پائین‌تری نسبت به ابزارهای «قدرت نرم» از قبیل موقعیت و ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی، اقتصادی (ژئواکونومی) و نفوذ فرهنگی (ژئوکالچر) برخوردار است. بر این اساس عواملی مانند موقعیت و ویژگی‌های جغرافیای طبیعی و انسانی؛ مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی، گذرگاهی؛ و بسیاری از متغیرهای محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛ تأثیر به‌سزایی بر قدرت و امنیت ملی کشورها برجای می‌گذارند و نشان‌دهنده اهمیت رویکرد دولت‌ها در فراوری ظرفیت مناطق و قلمروهای ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی برای تأمین امنیت ملی هستند. بنابراین دولت‌ها، حکومت‌ها و سیاست‌مداران می‌توانند با اتخاذ رویکردها یا استراتژی‌های ژئوپلیتیکی در ابعاد فرهنگی و اقتصادی آن (ژئوکالچر و ژئواکونومی)، به تقویت صلح و همکاری، توسعه و امنیت کمک کنند. مهمترین این استراتژی‌ها عبارت‌اند از استراتژی سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه آن در فضای ملی؛ استراتژی پیوند نیازهای دیگران به فضای کشور؛ استراتژی عدالت جغرافیایی؛ استراتژی توسعه توریسم و یا گردشگری؛ و وابسته‌سازی و توازن ژئوپلیتیکی با سایر کشورها که مناطق ساحلی اقیانوسی بستر مناسبی را برای تمام ایده‌های مذکور فراهم می‌نمایند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۴۹۷-۵۰۰). براساس توضیحات مذکور، امنیت ملی در این پژوهش ناظر بر مصونیت،

بازدارندگی یا توان مقابله در برابر عواملی است که موجودیت، منافع و ارزش‌های ملی را تهدید می‌کنند.

منطقه ساحلی اقیانوسی

منطقه ساحلی در کشورها و مراجع مختلف، تعریف‌ها و مفهوم‌های گوناگون و اغلب متفاوتی دارد. گروهی از کشورها و مراجع، محدوده ساحل را ناحیه یا منطقه تلاقی آب و خشکی و یا زمین‌های آب-گرفته می‌دانند و برخی این محدوده را از مرزهای تأثیرگذار بر ساحل، مانند منتهی‌الیه حوضه‌های آبریز تا فلات قاره می‌کشاند. گاه در تعریف ساحل و منطقه ساحلی، رویکرد سیاسی مد نظر بوده است. براین پایه، قلمرو ساحل در دریا تا منطقه انحصاری اقتصادی و در خشکی تا مرزهای ایالت یا استان، امتداد یافته است. (کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۹: ۸۷) تعیین محدوده منطقه ساحلی، پیوستگی ژرفی با تنگناها، مسایل و مشکلات هر کشور و حتی هر ساحل دارد. از این دیدگاه محدوده منطقه ساحلی تا فضایی که هدف‌های مدیریتی در هر کشوری را برآورده می‌کند می‌تواند در درون خشکی و در پهنه دریا گسترش یابد. برای مثال، مطابق ویژگی‌های جغرافیای طبیعی و سیاسی ایران، منطقه ساحلی ایران در اقیانوس هند؛ شامل محدوده و قلمرو جغرافیایی است که از شمال، به‌وسیله خط‌الرأس ارتفاعات مکران؛ در جنوب، حدود قلمرو فلات‌قاره در اقیانوس هند؛ از شرق با مرز ایران و پاکستان؛ و در غرب با تنگه هرمز تحدید محدود می‌شود و ترکیبی از فضاها و آبی و خشکی است.

عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی قدرت ملی

«مکان‌های جغرافیایی» و شبکه تعاملات پیچیده، چندسطحی و عمودی و افقی آنها، عامل بنیادین ایجاد و تکامل سازه‌های روبنایی دیگر، از قبیل «سازه‌های اجتماعی» و «سازه‌های حقوقی و سیاسی» هستند. این مکان‌ها و فضاها جغرافیایی، دارای موقعیت و محتوای ویژه‌ای هستند که به‌صورت ارزش‌های درک‌شده از سوی جوامع و ساخت‌های اجتماعی ابتدایی یا تشکل‌یافته، از قبیل ملت‌ها، دولت‌ها یا مجموعه‌ای از دولت‌ها (سازمان‌های منطقه‌ای) درمی‌آیند و مطلوبیت خاصی پیدا می‌کنند؛ چرا که از حیث هستی‌شناسی، بقا و تکامل هر سازه انسانی، موکول به این فضاها بوده، همچنین این سازه‌ها برای بقا و تکامل خود، نیازمند فراوری ارزش‌های طبیعی و انسانی مستقر در این فضاها هستند. به تعبیر دیگر، سازه‌های انسانی مانند هر موجود دیگر، برای بقا و تکامل خود به انرژی و توان (قدرت) نیازمندند؛ توانش‌های طبیعی و انسانی موجود در فضای جغرافیایی به طور عام و عوامل ژئوپلیتیکی آن به طور خاص، منبع اصلی تأمین انرژی لازم برای کنش و بقای واحدهای اجتماعی و سیاسی تلقی می‌گردند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۵: ۴). برای مثال، یکی از توانش-

های مهم جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، دسترسی به سواحل اقیانوسی است. کشورهایی که دارای سواحل مجاور آب‌های آزاد و اقیانوسی هستند، موقعیت واصل و معبر برای کشورهای محصور در خشکی با آب‌های آزاد دارند و این موقعیت مزایای ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک مهمی برای آنان فراهم می‌کند. در واقع مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی همان پدیده‌های طبیعی، انسانی و یا جغرافیایی محض هستند که با بهره بردن از ارتباط مستقیم جغرافیایی، با تاثیرگذاری بر قدرت واحد سیاسی، قابلیت تحت تأثیر قرار دادن تصمیم‌گیری‌ها در یک واحد سیاسی را داشته و با توجه به مفروض مهم ارتباط مستقیم سیاست، جغرافیا و قدرت (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۳۷) و از سویی دیگر مفروض مهم دیگر ارتباط مستقیم ژئوپلیتیکی و امنیت (Colin, ۱۹۸۸) امنیت واحد سیاسی را متأثر می‌نمایند (واتو، قالیباف و غلامی، ۱۳۹۸: ۱۳۵).

مبانی نظری رابطه مناطق ساحلی اقیانوسی و امنیت ملی

جهان معاصر به لحاظ چشم‌اندازهای امنیتی در آغاز هزاره سوم میلادی با رخدادهای کم نظیری مواجه شده که نقش عوامل و متغیر ژئوپلیتیکی در آن بسیار برجسته می‌نماید (یزدان‌پناه، ۱۳۸۸: ۱۱۲). امنیت بنیادی‌ترین نیاز جوامع و مهم‌ترین عامل دوام زندگی اجتماعی است. درک صحیح از محیط امنیتی و ساختار قدرت و رقابت موجود در آن، بیشترین تأثیر را بر شکل سیاست‌های امنیتی هر کشور دارد (کریمی، ۱۳۸۰: ۴۸) و این ذهنیت‌ها و رویکرد، نسبت به مباحث امنیتی در تصمیم‌سازی و عملکرد نظام سیاسی و تدوین استراتژی توسعه کشور موثر است (علینقی، ۱۳۸۰: ۱۸).

«قدرت ملی»، «توسعه‌یافتگی» و «امنیت ملی» سه رکن اصلی و درهم‌آمیخته کشورها برای بقا و تکامل در نظام بین‌المللی محسوب می‌شوند. امنیت ملی پایدار، موقوف به قدرت و اقتدار ملی



مدل ۱: عناصر مفهومی امنیت ملی پایدار (Heywood, 2011: 210-212)

است؛ و توسعه‌یافتگی نیز در گرو امنیت و کاربست مؤلفه‌های قدرت ملی در محیط داخلی و بین‌المللی است. اگر توسعه و امنیت کشورها را دو روی یک سکه بدانیم؛ هر دو نیازمند منابع مادی (ظرفیت‌های محیط طبیعی) و انسانی (کیفیت و کمیت نیروی انسانی) هستند. فراهم‌بودن منابع

مادی برای کشورها نیز در گرو موقعیت جغرافیایی، امکانات و توان محیط طبیعی آنها است. البته بهره‌برداری از منابع مادی برای توسعه کشور نیازمند منابع انسانی کیفی و کارآمد است.

بر این اساس، در نظریات کلاسیک و جدید ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل، عوامل جغرافیایی، از جمله برخورداری از موقعیت جغرافیایی مناسب، در قالب وسعت سرزمین، پستی و بلندی، آب و هوا، موقعیت کشور، شکل کشور، همسایگان و... از منابع مهم قدرت ملی محسوب می‌شوند (الله-وردی‌زاده، حافظ‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۰۴). این عوامل، در مقام عناصری باثبات، شالوده قدرت ملی را تشکیل می‌دهند و هرم قدرت ملی بر بنیان نسبتاً ثابت عوامل جغرافیا شکل می‌گیرد (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۱۹۷ و ۲۶۸) و حتی بر نوع رفتار سیاسی داخلی و خارجی کشورها تأثیر می‌گذارد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۸: ۱۰۳-۱۳۳؛ کاظمی، ۱۳۸۷: ۲۶۰).

یکی از ابعاد مهم موقعیت کشورها که اهمیت آن در دوره‌های متفاوت تاریخی روند پرفراز و نشیبی داشته است، موقعیت دریایی و دسترسی کشورها به محیط‌های دریایی و آب‌های آزاد است. دسترسی و عدم دسترسی کشورها به دریای آزاد، موجب موقعیت ساحلی، جزیره‌ای، شبه‌جزیره‌ای و یا محصور در خشکی برای کشورها می‌شود. در طول تاریخ، دسترسی به محیط‌های آبی آزاد، یکی از عوامل تأثیرگذار بر خصوصیات ملی، رفتار سیاسی، استراتژی ملی و قدرت دریایی کشورها بوده است و نظریه‌های کلاسیک جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک تحت تأثیر این متغیر جغرافیایی بوده‌اند (Prescott, 1975).

در ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل، برخی از کشورها برای تصاحب و بهره‌برداری از مناطق و موقعیت‌های جغرافیایی خاص، به رقابت با یکدیگر می‌پردازند. بنابراین مناطقی که ظرفیت‌های بالایی در بازیگران برای ورود به رقابت برای کسب قدرت و امنیت ایجاد می‌کنند، یا زمینه ورود بازیگران به مناسبات همگرایانه برای ارتقای وزن ژئوپلیتیکی را ایفا می‌کنند، واجد اهمیت مضاعفی هستند. مناطق ساحلی اقیانوسی با ظرفیت‌های ارتباطی، اقتصادی و استراتژیک، از جمله این مناطق هستند که در معادله قدرت و امنیت، در سطوح مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای و کروی ایفای نقش می‌کنند.

بررسی متون مرتبط با حوزه امنیت مبین آن است که در مجموع می‌توان از سه حوزه به تحلیل و ارزیابی امنیت در ارتباط با مناطق ژئوپلیتیکی پرداخت که هر یک از ویژگی‌های ساختاری متمایزی برخوردارند (کلاه‌چیان، ۱۳۹۸: ۱۴-۱۳).

الف) بُعد محور: این حوزه مشتمل بر شناخت «موضوع امنیت» در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی و نظامی است.

ب) فضا محور یا شناخت موضوع امنیت در هر یک از فضاها: در این حوزه ابعاد فضایی امنیت مشتمل بر فضاها محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

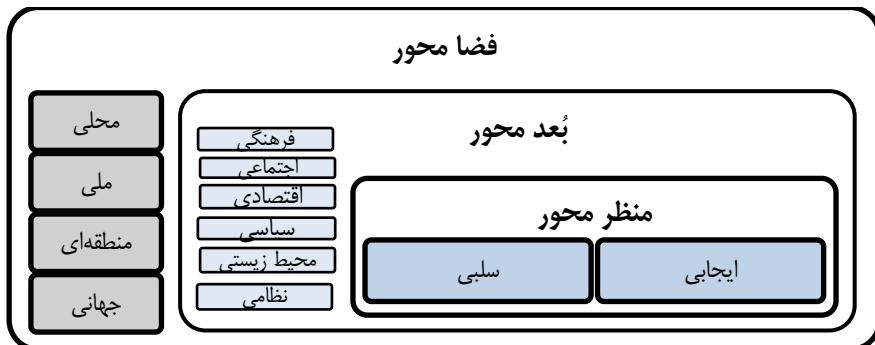
ج) منظر محور یا نحوه شناخت موضوع امنیت: در این حوزه موضوع امنیت از منظر ایجابی و سلبی مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد.

امنیت ژئوپلیتیکی

بر اساس نظریه ارتقای منزلت ژئوپلیتیکی کشورها در سیستم منطقه‌ای و جهانی، یکی از کم‌هزینه‌ترین راه‌های پی‌جویی امنیت، ارتقای منزلت ژئوپلیتیکی و فراوری ظرفیت‌های جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی کشور، در راستای نیازها و منافع جمعی سایر بازیگران است؛ تا از طریق گره زدن نیاز کشورهای دیگر به مزیت‌های فضای ملی، ایجاد تهدید یا بروز ناامنی برای سیستم‌های منطقه‌ای و جهانی پرهزینه گردد. از جمله روش‌های ایجاد امنیت ژئوپلیتیکی عبارت‌اند از: ارتقای مستمر سطح قدرت ملی؛ فراوری علائق و تعلقات ژئوپلیتیکی فرامرزی؛ توسعه وابستگی کشورها و پدیده‌های منطقه‌ای و جهانی به فضای ملی (توسعه کنترل‌های فراملی)؛ ارتقای سطح موقعیت الگویی (موقعیت آرمان شهری)؛ نقش‌آفرینی فعالانه در فرایندها و پدیده‌های منطقه‌ای و جهانی؛ توسعه همه-جانبه حوزه نفوذ در فضاها (فراملی) (حافظنیا، ۱۳۹۶: ۵۲۲؛ حافظنیا، ۱۳۹۶: ۲۵۶)

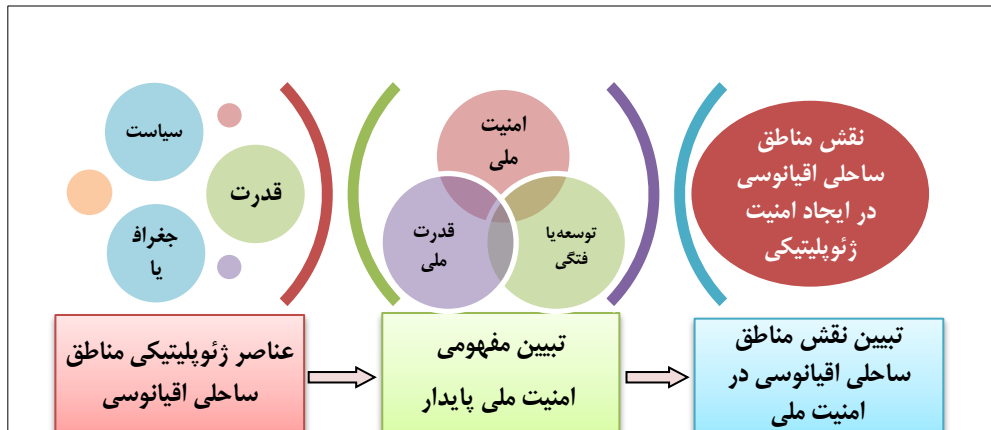
مناطق ساحلی اقیانوسی که ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی ممتاز دارند، زمینه مناسبی را برای طراحی و پیاده‌سازی استراتژی ایجاد امنیت ژئوپلیتیکی و وابسته‌سازی نظامات منطقه‌ای و بین‌المللی به مزیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی چنین مناطقی را فراهم می‌کنند.

مدل مفهومی:



مدل ۲: محورهای تحلیل و ارزیابی امنیت ملی بر اساس عوامل ژئوپلیتیک (نگارنده)

بر اساس مبانی و ادبیات نظری که پیرامون عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مناطق ساحلی اقیانوسی طرح شد، و آنچه که تبیین‌کننده عناصر و ارکان امنیت ملی پایدار است؛ عوامل و مؤلفه‌های زیادی در ارتباط با «نقش مناطق ساحلی اقیانوسی در امنیت ملی» قابل تبیین هستند. بر این مبنا، تبیین نقش مناطق ساحلی اقیانوسی در امنیت ملی، تابع ویژگی‌ها و عناصر سه متغیر «جغرافیا» و «قدرت» و «سیاست»، به عنوان ارکان مفهومی «ژئوپلیتیک» و الزامات ایجاد و حفظ «امنیت ملی پایدار»، مبتنی بر «مصونیت از تهدید»، «تضمین‌کننده فرایند توسعه» و «مقوم عناصر قدرت ملی» می‌باشد. بر این اساس، در قالب یک مدل مفهومی و نظری، عوامل و مؤلفه‌های اصلی جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مناطق ساحلی اقیانوسی که بر امنیت ملی و وجوه مختلف آن (مکانی- فضایی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نظامی) تأثیرگذارند، تعیین می‌شوند.



مدل ۳: تبیین نقش مناطق ساحلی اقیانوسی در امنیت ملی

روش‌شناسی تحقیق

نوع تحقیق از لحاظ هدف، بنیادی و از حیث ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و ابزار آن فیش‌برداری بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش استنباطی انجام شده است. در این مقاله، نظریه‌ها و مدل‌های مربوط به مناطق ساحلی اقیانوسی و قدرت دریایی بررسی و نقد شده و با ارائه مدل نظری (مفهومی) پژوهش، نقش عوامل و مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مناطق ساحلی در امنیت ملی کشورها، از رهگذر متغیرهای میانگر توسعه و قدرت ملی تحلیل شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

در این پژوهش تلاش شده با بهره‌گیری از یافته‌های پژوهشی پیشین و با رویکردی جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، تأثیر مناطق ساحلی اقیانوسی بر امنیت ملی شناسایی شود. بر این اساس، متناسب با عناصر اصلی تشکیل‌دهنده امنیت ملی، بر هفت بُعد اصلی جغرافیایی و ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر امنیت ملی پرداخته شده است. مؤلفه‌های هر یک از عوامل هفتگانه جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مذکور، مادامی که دارای کارکرد امنیتی باشند، در زمره عوامل اثرگذار بر امنیت ملی قرار خواهند گرفت؛ در غیر این صورت این عوامل در قالب محض خود (اقتصادی، اجتماعی و ...) قلمداد می‌گردند.

عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مناطق ساحلی اقیانوسی و امنیت ملی

عوامل مکانی و فضایی

طبق نظریه پتر هاگت (های پوتیتکا) عوامل جغرافیایی در ثبات و امنیت یا تنش بین کشورها مؤثرند (Haggett, 2001: 521). بر اساس یافته‌های موجود، تأکید بر مؤلفه‌های مکانی-فضایی در امنیت ملی، از طریق ویژگی‌های جغرافیایی موقعیت، وسعت، توپوگرافی، شکل سرزمینی، توزیع و پراکندگی جمعیت، زیرساخت‌های ارتباطی، نظام اسکان و جمعیت و نظام توزیع خدمات قابل تحلیل است (واتق، قالیباف و غلامی، ۱۳۹۸: ۱۳۵).

در میان مؤلفه‌های مختلف مکانی و فضایی مناطق ساحلی اقیانوسی، موارد ذیل دارای کارکرد امنیتی بوده، سیاستگذاری و راهبرد امنیت ملی کشورها را متأثر می‌سازند:

موقعیت جغرافیایی (داشتن موقعیت دریایی)؛ پیکربندی فیزیکی (ویژگی‌های طبیعی و اقلیم منطقه ساحلی)؛ وسعت سرزمین و طول ساحل؛ تعداد جمعیت (Mahan, 1889: 34-79)؛ وسعت مناطق دریایی (Kearsley, 1992: 199)، شهرها و بنادر ساحلی، جزایر، تعداد جمعیت و اجتماع دریایی؛ وسعت مناطق دریایی؛ تعداد و کیفیت بنادر؛ موقعیت کشور در رابطه با نقاط کنترل، تنگه‌ها و گذرگاه‌های بین‌المللی؛ مسیرهای دریایی بین‌المللی؛ منابع مواد خام و بازارها (Sakhuja, 2011: 21-22)، شهرهای ساحلی، وضعیت شبکه‌های ارتباطی منطقه ساحلی و پیوند آن با قسمت‌های داخلی کشور.

به هر روی، مؤلفه‌های مکانی و فضایی و ملاحظات جغرافیایی و ژئوپلیتیکی آنها، تأثیر به‌سزایی بر استراتژی‌های توسعه دریامحور گذارده، در ارتقای قدرت دریایی و تأمین منافع و امنیت ملی اثرگذارند؛ تا جایی که امنیت و قدرت کشورهای دریایی تاریخی، مانند بریتانیا و آمریکا مرهون نقش عوامل جغرافیایی طبیعی و کارکرد مناسب عوامل انسانی جوامع آنها در بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها بوده است. از سوی دیگر تنگناهای سرزمینی کشورهای بزرگ، یا نقص در دسترسی به

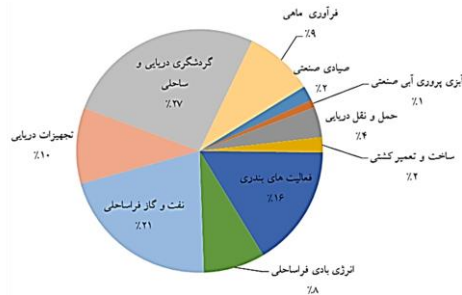
پهنه‌های آبی آزاد، موجب وابستگی فضایی و تحمل فشارها از جانب بازیگران بحری علیه آنها شده است. مشکلات تاریخی روسیه و حتی چین، به دلیل موقعیت نامناسب دریایی، در رابطه با دسترسی به فضای مانور راهبردی دریایی شاهدهی بر این مدعاست.

عوامل اقتصادی

در حال حاضر، رقابت‌های اقتصادی و تلاش دولت‌ها برای تولید ثروت، جایگاه ویژه‌ای در روابط خارجی پیدا کرده و ماهیت اقتصادی، در تعریف هویت مناطق جغرافیایی اهمیت اساسی یافته است. بر این اساس، بسیاری از ابزارهای اقتصادی کاربرد ژئوپلیتیک پیدا کرده‌اند (صباغیان و جلالی، ۱۴۰۰: ۹۰) اقتصاد از طرفی یکی از ابعاد فضای جغرافیایی و از طرف دیگر یکی از ابعاد قدرت است. ژئوپلیتیک به‌طور ذاتی در دو عنصر از سه عنصر تشکیل‌دهنده خود، یعنی جغرافیا و قدرت، با اقتصاد پیوند خورده و به آن توجه می‌نماید. بنابراین چنانچه اقتصاد با قدرت و سیاست پیوند بخورد و با جغرافیا نیز عجین شود، در حوزه ژئوپلیتیک قرار می‌گیرد که در این‌صورت ژئواکونومی به‌عنوان بُعد اقتصادی ژئوپلیتیک شکل می‌گیرد (مختاری هشی، ۱۳۹۷: ۵۶). از حیث نظری، تبیین اثرات عوامل اقتصادی مناطق ساحلی اقیانوسی بر امنیت ملی کشورها، از دو بعد ژئواکونومیک و جغرافیای اقتصادی قابل تحلیل است. طی چند دهه اخیر، اهرم‌های اقتصادی، اهمیت ویژه‌ای در مناسبات امنیتی نظام بین‌الملل و یارگیری‌های ژئواستراتژیک فرا منطقه‌ای پیدا کرده‌اند و به‌عنوان ابزار سیاست خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرند (صباغیان و جلالی، ۱۴۰۰: ۶۷). از حیث ژئواکونومیک، مفروض اصلی این است که کنش‌ها و سیاست‌گذاری اقتصادی کشورها در فضاها محلی، منطقه‌ای و جهانی، واجد جنبه‌های مهم امنیت ملی است. لوتواک معتقد است که سرمایه، نوآوری‌های فنی و تکنولوژیک، تولید، بازرگانی و بازار تعیین‌کننده قدرت در دنیای پس از جنگ سرد هستند و دیگر قدرت نظامی اهمیت گذشته را ندارد (Luttwak, 2016: 18) ابزارهای اقتصادی از یکسو موجب گسترش ظرفیت‌های ژئوپلیتیک دولت‌ها می‌شوند و از سوی دیگر در روابط خارجی، به‌عنوان ابزار نفوذ سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرند (Grosse, 2014: 41). تأکید بر ژئواکونومی در راهبرد امنیتی کشورها از طریق تجارت، سرمایه‌گذاری، صنعت، خدمات، گردشگری و نظام توزیع ثروت قابل تحلیل است و با ابزارهای: سیاست‌های تجاری، سیاست‌های سرمایه‌گذاری، تحریم‌های اقتصادی، سایر، کمک‌های اقتصادی، سیاست‌های پولی و مالی و سیاست‌های ملی حاکم بر انرژی و کالاها قابل اعمال است (مختاری هشی، ۱۳۹۷: ۶۴-۷۰).

بزی‌پروری دریایی، استخراج نفت و گاز عمیق و بسیار عمیق، انرژی بادی فراساحلی، انرژی تجدیدپذیر اقیانوس، معدن‌کاری در دریا و بستر دریا، بیوتکنولوژی آبی، امکان تحصیل غذا از

اقیانوس، و سایر کسب‌وکارهای دریایی ظرفیتی برای تولید سه هزار میلیارد دلار (برابر ۲.۵ درصد ارزش افزوده ناخالص جهان) و ایجاد نزدیک به ۴۰ میلیون شغل را تا سال ۲۰۳۰ داراست.



شکل ۱: ارزش افزوده اقتصاد اقیانوس در سال ۲۰۳۰ در سناریوی تداوم روند موجود تجارت (اندازه کل ۳ هزار میلیارد دلار)

(OECD, 2016). اقیانوس‌ها به طور فزاینده‌ای به یک امر ناگزیر برای مواجهه با بسیاری از چالش‌های جهانی - از امنیت غذایی و تغییرات اقلیمی جهان تا تأمین انرژی، منابع طبیعی و بهبود مراقبت‌های بهداشتی - تبدیل شده‌اند. اقتصاد اقیانوس علاوه بر صنایع مبتنی بر اقیانوس (همچون کشتیرانی، صید ماهی، نیروگاه بادی، بیوتکنولوژی دریایی) شامل دارایی‌های طبیعی و خدمات اکوسیستمی (ماهی، مسیرهای کشتیرانی، جذب دی‌اکسیدکربن و مانند آن) نیز می‌گردد که اقیانوس ارائه می‌کند. بر مبنای پایگاه داده اقتصاد اقیانوس سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، نفت و گاز فراساحلی حدود یک سوم ارزش افزوده صنایع مبتنی بر اقیانوس را تشکیل می‌دهد و پس از آن، گردشگری دریایی و ساحلی، تجهیزات دریایی و بنادر قرار می‌گیرند. صنایع دریایی نمی‌توانند به صورت مجزا و در تنهایی توسعه یابند، نه جدای از همدیگر و نه جدای از محیط اقیانوسی که بخشی از آن هستند. علاوه بر جریان‌ها و خدمات بازاری و حجم سرمایه فیزیکی صنایع مبتنی بر اقیانوس، اقتصاد اقیانوس همچنین شامل اکوسیستم‌های آبی است. این اکوسیستم‌ها شامل اقیانوس‌ها، مرداب‌های شور، مناطق جزر و مدی، دهانه رودها و تالاب‌ها، مانگروها و صخره‌های مرجانی، ستون آب از جمله آب‌های عمیق، و کف دریاست، که همه آنها خدمات واسطه برای صنایع مبتنی بر اقیانوس فراهم می‌کنند.

از آنجا که امروزه توسعه و پیشرفت اقتصادی را یکی از عوامل اصلی مشروعیت و بقای نظام‌های سیاسی می‌دانند، مؤلفه‌های اقتصادی مناطق ساحلی اقیانوسی نقش برجسته‌ای در امنیت ملی

کشورها ایفا می‌کنند. مطابق نتایج تحقیقات انجام شده، مهمترین این مؤلفه‌ها عبارتند از: اندازه تجارت دریایا (Kearsley, 1992: 199)، سطح فناوری دریایی، منابع و تکنولوژی لازم برای تجهیز ناوگان تجاری و نظامی؛ اقتصاد دریایی (حضور قدرت دریایی در پهنه دریا برای ضمانت از ناوگان‌های تجاری، که مستلزم برخورداری از اقتصاد دریایی است (Till, 2009: 83-113; 66-97: 2004)، حجم صادرات و واردات دریایی، حجم سرمایه‌گذاری در اقتصاد دریایی، توسعه مناطق ساحلی و پسرانه‌های اقیانوسی، ظرفیت‌های اقتصاد محلی در حوزه صید، پرورش آبزیان، زراعت و باغداری و ...، توسعه بنادر و شبکه‌های حمل و نقل ترکیبی، ایجاد هاب‌های ترانزیتی ترکیبی، گردشگری ساحلی، خدمات بندری و تعمیرات کشتی، وابسته‌سازی ژئواکونومیکی کشورهای محصور در خشکی و همسایگان به ظرفیت‌های اقتصادی اقیانوسی.

عوامل سیاسی

بازیگران و مؤلفه‌های سیاسی، به عنوان ارکان تصمیم‌گیرنده و دارای اختیار اعمال اراده قدرت، از جایگاه محوری در تجمیع و فعال‌سازی سایر عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مناطق ساحلی اقیانوسی برخوردارند و مهمترین کارکرد را در مسائل امنیت ملی مناطق اقیانوسی برعهده دارند. ساخت قدرت و شبکه پیچیده روابط سیاسی در بعد داخلی (جغرافیای سیاسی) و خارجی (ژئوپلیتیک)، واجد نقش تعیین‌کننده‌ای در راهبرد امنیت ملی کشورهاست. کیفیت سامان سیاسی داخلی، کیفیت نگرش به جهان و همسایگان، کارآمدی نظام سیاسی در بهره‌برداری از ظرفیت‌های در دسترس، نظام توزیع قدرت، سازمان و مدیریت سیاسی فضا از مهمترین موضوعات در این زمینه هستند. مؤلفه‌های اصلی عوامل سیاسی در سطح داخلی مناطق ساحلی اقیانوسی عبارت‌اند از: «مدیریت سیاسی سرزمینی در مناطق ساحلی اقیانوسی و پسرانه‌های آن»، «انحصار قانونگذاری متناسب با منافع و امنیت ملی اقیانوس‌پایه»، «تدوین استراتژی توسعه اقیانوس‌محور»، «خط‌مشی و استراتژی حکومت و رهبران سیاسی و نهادهای ملی (Mahan, 1889: 34-79)»، تحولات و تنش‌های سیاسی و امنیتی داخل کشور، وضعیت سیاسی و امنیتی قلمرو سرزمینی و مرزهای آبی و خشکی کشور، نزدیکی پایتخت با مناطق ساحلی و مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۰)، حاکمیت و مشارکت ذی‌نفعان، به عنوان کلید مدیریت اثربخش اقیانوس، ترویج نوآوری بیشتر در ساختارهای حکمرانی، فرآیندها و مداخله ذی‌نفعان به منظور بهبود مدیریت یکپارچه اقیانوس. مؤلفه‌های اصلی عوامل سیاسی در سطح خارجی مناطق ساحلی اقیانوسی نیز

عبارت‌اند از: «دیپلماسی فعال و تعاملی در سطح منطقه‌ای و جهانی»، «همگرایی منطقه‌ای و جهانی چند بعدی»، «عضویت در معاهدات و توافقات منطقه‌ای و بین‌المللی»، «تنش‌زدایی، خصوصاً با همسایگان»، «ایجاد یا عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای با محوریت پهنه‌های آبی مشترک».

عوامل فرهنگی

تأثیر عوامل فرهنگی مناطق ساحلی اقیانوسی بر امنیت ملی از دو وجه قابل تحلیل است: نخست، بُعد ژئوکالچری که ناظر بر مجموعه‌ای از پندارها و ویژگی‌های فرهنگی است که تلاش دارد تا با تفسیری قدرت-محور از مناسبات و وضعیت فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، امنیت ملی واحدهای سیاسی را در این پهنه‌ها تحلیل و اثبات کند؛ در این رویکرد، مؤلفه‌هایی مانند رقابت‌های فرهنگی و تمدنی بازیگران ذی‌نفع در پهنه‌های آبی (به‌طور مثال روابط هند و پاکستان در شمال اقیانوس هند)، کیفیت نگرش به اقتصاد آزاد به عنوان یک ارزش فرهنگی پایه برای ورود به اقتصاد جهانی، وجود موانع فرهنگی یا قومیتی برای توسعه مناطق ساحلی و پسرکرانه‌های اقیانوسی، خصوصاً در مواقع وجود زبانه‌های قومی در فراسوی مرزهای سرزمینی از جمله مسائل فرهنگی تأثیرگذار بر امنیت ملی هستند.

و در بعد داخلی، ناظر بر جغرافیای فرهنگی ویژه سطح ملی و محلی است که بر مناسبات امنیت ملی واحدهای سیاسی در مناطق ژئوپلیتیکی تأثیرگذار است. در این رویکرد، به مؤلفه‌هایی مانند فرهنگ دریایی (Till, 2009: 83-113; 2004: 66-97)، خصوصیات و روحیات ملی (Mahan, 1889: 34-79)، سبک زندگی دریایی، توسعه ارتباطات فرهنگی بین مناطق ساحلی و عمق قلمرو سرزمینی، ایجاد ارتباط فرهنگی در پیش‌کرانه‌ها یا سواحل دور به عنوان بستر ضروری افزایش ارتباطات و تعاملات، توسعه ارزش‌های دریایی و دریاگرایی در سطح ملی، توسعه گردشگری دریایی و ساحلی در سطح ملی و فراملی برای افزایش ارتباطات و تعاملات، تمرکز بر پیوندهای فرهنگی، تنوع مذهبی و تنوع قومی مناطق ساحلی.

عوامل اجتماعی

تأثیر ویژگی‌های جغرافیای انسانی و متغیرهای اجتماعی بر امنیت ملی، از پایداری و عمق زیادی برخوردار است. راهبردهای امنیت ملی در مناطق ساحلی اقیانوسی، تابع ویژگی‌های اجتماعی جوامع است. تشکیل اجتماع دریایی؛ مردم، جامعه و دولت دریایی یکی از شرایط مطلوب امنیت پایدار در مناطق ساحلی قلمداد می‌شود (Till, 2009: 83-113; 2004: 66-97). اجتماع دریایی، بیشتر بر نوع سبک زندگی مردم کشور و جامعه از لحاظ اجتماعی و اقتصادی تأکید دارد. سبک زندگی اجتماع دریایی با شاخص‌هایی همانند: انسجام اجتماعی پهنه سرزمین خصوصاً تشکل‌های اجتماعی مناطق ساحلی با هسته جمعیتی اصلی کشور، تعاملات اجتماعی ماوراء دریا و ... نسبت دارد.

حضور جمعیت در نوار ساحلی و پسرکرانه دریایی کشور، فراهم کردن نیروی انسانی برای برپایی ناوگان تجاری و نظامی، تأمین نیروی دریایی و دریانوردان باتجربه، تحمل شرایط سخت و تجربه زندگی دریایی و ... مؤلفه‌های مربوط به مردمان دریایی است.

ارتباطات اجتماعی متنوع و مستحکم مبتنی بر مشارکت اجتماعی مردمان ساحل‌نشین، تشکل‌های مردم‌نهاد یا سازمان‌یافته حول ارزش‌های اجتماعی مردمان دریا، ارزش‌های دریاگرایانه در آموزش‌های عمومی و تخصصی، مشارکت دادن مردمان ساحل‌نشین در روندهای اجتماعی و سیاسی بدنه سرزمین و احترام به فرهنگ و آداب و رسوم جامعه ساحلی از جمله جنبه‌های اجتماعی تأثیرگذار بر امنیت و ثبات مناطق ساحلی اقیانوسی است.

عوامل نظامی

قدرت نظامی، از ارکان اصلی حفظ امنیت ملی واحدهای سیاسی است (Thompson, 2002: 448). هرچند بدون توجه به سایر ابعاد قدرت و تحلیل آنها، امکان شناسایی قدرت نظامی کشورها ممکن نیست، ولی در مقاطع تنش و بحران، سایر ابعاد قدرت، تحت‌الشعاع قدرت نظامی قرار می‌گیرند. سواحل اقیانوسی از نظر جغرافیای نظامی، ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی، مزایای نسبی ارزشمندی را برای قدرت‌های دریایی فراهم می‌کنند. همزمان و در مسیری متضاد، در صورت ضعف و گسست در خطوط دفاع ساحلی، عرصه‌های وسیعی نیز برای تهاجم و اعزام نیروهای نظامی دشمن تلقی می‌گردند. عوامل نظامی مناطق ساحلی اقیانوسی، جزو اولویت‌های اصلی امنیت ملی کشورهای ساحلی قلمداد می‌شوند. از حیث ایجاد فضای مانوری راهبردی برای نیروی دریایی و ناوگان نظامی، تأمین و حفاظت از ناوگان تجاری دریایی ملی و بین‌المللی، نظارت و محافظت از منابع و حقوق حاکمیت و مالکیت در دریای سرزمینی و منطقه انحصاری اقتصادی و بسیاری موارد دیگر، این پهنه‌ها جزو مناطق حساس و راهبردی امنیتی به حساب می‌آیند. از جمله مؤلفه‌های نظامی تأثیرگذار بر امنیت ملی در مناطق ساحلی اقیانوسی عبارتند از: نیروی نظامی دریایی، کشتی‌ها و ناوگان نظامی، کشتی‌سازی، ائتلاف‌های دریایی، پایگاه نظامی ساحلی و دریایی (برای تأمین سوخت، تجهیز و تدارک و وسایل و ادوات نظامی، تعمیر کشتی، تأمین نیازهای غذایی و تجدید نیرو)، تأمین امنیت خطوط ارتباطی دریایی در مقابل تروریسم و دزدی دریایی و ... ، تأمین منابع و تکنولوژی لازم برای تجهیز ناوگان تجاری و نظامی؛ ضمانت، پشتیبانی و پیوند بین قدرت دریایی با قدرت هوایی و زمینی (Till, 2009: 83-113; 2004: 66-97)، نیروی انسانی دفاعی آموزش دیده و با دانش، تجهیزات و تسلیحات دفاع دریایی و ساحلی.

عوامل زیست‌محیطی

تأکید بر تهدیدات، بحران‌ها و تنش‌زایی عوامل زیست‌محیطی، به اشکال مستقیم و غیرمستقیم، نقطه عطف نظریات ژئواکولوژی (توماس هامر - دیکسون) قلمداد می‌گردد که امروزه به عنوان محور ارتباط مباحث زیست‌محیطی و امنیت ملی قرار گرفته است (واثق، قالیباف و غلامی، ۱۳۹۸: ۱۳۵).

بروز تغییرات اقلیمی، تخریب منابع زیست محیطی، بروز مخاطرات طبیعی از قبیل کمبود آب، دستیابی به منابع غذایی دریایی، دستیابی به منابع زیرزمینی و بلایای طبیعی از جمله متغیرهای تأثیرگذار محیط زیست بر امنیت ملی قلمداد می‌گردند. این عوامل، از طریق ایجاد موج‌های مهاجرت یا در قالب نزاع برای دست یافتن به شرایط مناسب زیست محیطی برای ادامه زندگی، به طور غیرمستقیم بر امنیت ملی کشورها اثرگذارند. یا به دلیل محرومیت از منابع کمیاب، ملاحظات زیست محیطی، خود را در قالب کمبودهای اقتصادی متجلی می‌سازند. امری که در نهایت موجب گسست در مناطق مختلف و در نهایت به تضعیف مشروعیت نظام سیاسی می‌انجامد (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۴۳-۴۴۲) یا فشارهای منتج از آن، سبب شکل‌گیری جنبش‌های بزرگ و درعین حال ستیزه‌جو می‌شود.

یک مانع مهم برای توسعه اقیانوس پایه، از دست دادن فعلی سلامت آن است. افزایش انتشار کربن توسط بشر در طول زمان و جذب این کربن توسط اقیانوس، باعث اسیدی شدن اقیانوس شده است. همچنین، دما و سطح آب دریاها در حال افزایش و جریان‌ات اقیانوسی در حال تغییر است و این باعث از دست دادن تنوع زیستی و زیستگاه‌های طبیعی شده و به نوبه خود باعث تغییرات در ترکیب ذخایر ماهیان و الگوهای مهاجرت و افزایش فراوانی رویدادهای جوی شدید در دریاها می‌گردد. چشم‌انداز توسعه آبی اقیانوس با آلودگی زمین، به‌ویژه پساب‌های کشاورزی، مواد شیمیایی و آلاینده‌های پلاستیکی که از رودخانه‌ها به دریاها سرازیر می‌شوند، و همچنین ماهی‌گیری بیش‌ازحد که ذخایر ماهیان را در بسیاری از نقاط جهان از بین برده، بدتر می‌گردد. پیش‌بینی می‌شود در دهه‌های پیش‌رو، پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی نقش مهمی را هم در مواجهه با چالش‌های زیست محیطی مربوط به اقیانوس‌ها و هم در توسعه آبی فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر اقیانوس، ایفا نمایند. نوآوری در مواد پیشرفته، مهندسی و تکنولوژی زیر دریا، سنسورها و تجهیزات تصویربرداری، فناوری‌های ماهواره‌ای، کامپیوتری شدن و تجزیه و تحلیل‌های داده‌های بزرگ، بیوتکنولوژی و نانوتکنولوژی بر تمام بخش‌های اقتصاد اقیانوس اثرگذار هستند. به هر روی، رشد سریع اکثر صنایع دریایی فشار فزاینده‌ای را بر محیط زیست و منابع اقیانوس وارد نموده و چالش‌های مهمی را در مدیریت اقیانوس و امنیت ملی کشورهای وابسته به آن ایجاد می‌کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

بر اساس یافته‌های نظری، مناطق ساحلی اقیانوسی، از طریق عوامل هفت‌گانه مکانی-فضایی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی و زیست محیطی، با امنیت ملی ارتباط برقرار می‌کنند. توضیح اینکه، کشورها برای فراوری ظرفیت‌های جغرافیایی یا ژئوپلیتیکی ممتاز مناطق ساحلی اقیانوسی برای توسعه ملی، یا مقابله با تهدیدات و صیانت از منافع حیاتی خود، ناگزیر از «توسعه همه‌جانبه» مناطق ساحلی اقیانوسی، برای افزایش «قدرت ملی» و در نتیجه تأمین «امنیت ملی» خود هستند. بر این اساس، شناخت مؤلفه‌های اصلی هر یک از عوامل هفت‌گانه، چهارچوب نظری

مناسبی را برای تحلیل ماهیت و روابط متغیرهای مربوط فراهم می‌کند. به هر روی، به نظر می‌رسد، فراگرد توسعه همه‌جانبه مناطق ساحلی اقیانوسی (سیکل داخلی مدل شماره ۴)، موجب فراوری ظرفیت‌های فراگیر قدرت ملی (اقتصادی، نظامی، سیاسی و ...) نهفته در فضای جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مناطق ساحلی اقیانوسی می‌گردد. ارتقای مؤلفه‌های قدرت ملی نیز با فرایند تأمین و بازتولید امنیت ملی پایدار و همه‌جانبه رابطه متقابل دارد؛ چرا که از یک سو موجب ارتقای جایگاه و منزلت ژئوپلیتیکی کشور شده، زمینه بازدارندگی و در عین حال، وابستگی سایر بازیگران به منابع قدرت و ثروت مناطق ساحلی اقیانوسی را فراهم می‌کند. از سوی دیگر از طریق ایجاد زمینه‌های رشد و توسعه همه‌جانبه و پایدار در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی، بسترهای تهدیدات امنیت ملی را از بین برده، یا اجماع و تعلق امنیتی برای سایر بازیگران نسبت به مناطق ساحلی اقیانوسی کشور را فراهم می‌نماید.

بر اساس یافته‌های پژوهش، تأثیر عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مناطق ساحلی اقیانوسی بر امنیت ملی از طریق مدل نظری ذیل (مدب شماره ۴) قابل توضیح و ارزیابی است. تأثیر ابعاد و مؤلفه‌های هر یک از عوامل که در بخش تجزیه و تحلیل بدان پرداخته شد، در تحقیقات سایر پژوهشگران مورد تأیید قرار گرفته است.

به هر روی، دسترسی اقیانوسی مناسب کشور ایران در مناطق جنوب شرق و نیز برخوردار از جایگاه مناسب از حیث موقعیت مرکزی، موقعیت گذرگاهی و منابع فراوان طبیعی و ... که جایگاه ژئوپلیتیکی ویژه‌ای را برای آن فراهم کرده اینجاب می‌نماید تا با استفاده از ظرفیت اقیانوسی مناسب



- خود، به توسعه فراگیر اقیانوس پایه و ارتقای قدرت ملی و در نهایت تضمین امنیت ملی خود پردازد. به منظور استفاده از این ظرفیت و در راستای یافته‌های تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌شوند:
- تدوین استراتژی ملی اقیانوسی ایران مبتنی بر یافته‌های نظری و کاربردی پژوهش‌های انجام شده.
 - ارزیابی وضعیت فعلی بهره‌گیری ایران از ظرفیت‌های همه‌جانبه اقیانوسی کشور.
 - توسعه ظرفیت‌های بندری و مشارکت در شبکه حمل و نقل جهانی خصوصاً از طریق سواحل ایران در دریای عمان.
 - مشارکت کافی در معاهدات، رژیم‌های حقوقی و ترتیبات دیپلماتیک آتی درباره تعیین رویه‌های حقوقی و سیاسی حکمرانی در اقیانوس‌ها.
 - آینده‌پژوهی استفاده ایران از ظرفیت‌های اقیانوسی در عرصه‌هایی نظیر کشتیرانی، صیادی، انرژی‌های تجدیدپذیر، ذخائر معدنی و انرژی، و مشارکت در تولید فناوری‌های بهره‌گیری از اقیانوس‌ها

فهرست منابع:

الف- منابع فارسی

- الهویردی زاده و حافظ نیا (۱۳۹۵) تبیین رابطه موقعیت دریایی با سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها، مجموعه مقالات همایش فرآوری پتانسیل های ژئوپلیتیکی توسعه در کرانه های اقیانوسی جنوب شرق کشور؛ تهران: وزارت کشور، ۲۷ مهرماه ۱۳۹۵- ص ۱۰۴
- تریف، تری، کرافت، استیوارت، جیمز، لوسی و مورگان، پاتریک (۱۳۸۳) مطالعات امنیتی نوین، ترجمه، طیب، علیرضا و بزرگی، وحید، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- توماس، کارولین (۱۳۸۲) حکومت جهانی، توسعه و امنیت انسانی، ترجمه، مرتضی بحرانی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۴)، نقش استراتژیک خلیج فارس و تنگه هرمز، تهران، انتشارات سمت
- حافظ نیا، محمدرضا و احمدی کرج، سید عباس (۱۳۹۶) آراء و نظریه های علمی دکتر محمدرضا حافظ نیا (استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دانشگاه تربیت مدرس)؛ مشهد: پاپلی
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۰) اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. تهران: انتشارات پاپلی.
- حافظ نیا، محمدرضا. رشید، غلامعلی. پرهیزگار، اکبر و افشردی، محمدحسین. (۱۳۸۶). الگوی نظری طراحی راهبرد دفاعی مبتنی بر عوامل ژئوپلیتیکی. فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک، ۳(۸)، ۳۸-۷.
- دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت. نظریه های متعارض در روابط بین الملل. ترجمه: طیب، علیرضا و بزرگی، وحید (۱۳۸۸)، تهران: نشر قومس.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴) امنیت ملی و نظام بین المللی، تهران: انتشارات سمت
- سیف زاده، سید حسین (۱۳۸۲). نظریه پردازی در روابط بین الملل: مبانی و قالب های فکری. تهران: انتشارات سمت
- صباغیان، علی، جلالی، محسن. (۱۴۰۰). مولفه های ژئواکونومیک سیاست خارجی فرانسه در فضای رقابت های ژئوپلیتیک غرب آسیا و پیامدهای آن برای روابط ایران-فرانسه. فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، ۱۴(۱)، -.
- عاطفی حسن، رومینا ابراهیم، قربانی نژاد ریواز. الگوی نظری توسعه فضایی در مناطق مرزی تلفیقی. فضای جغرافیایی. ۱۳۹۹؛ ۲۰ (۷۲): ۳۷-۱۹ URL: <http://geographical-space.iau.ac.ir/article-fa.html>
- عزتی، عزت الله (۱۳۹۴)؛ ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، (چاپ ۶) تهران: انتشارات سمت
- کریمی پور، یداله، و محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۹). تعریف منطقه ساحلی برای مطالعات ICZM در ایران. جغرافیا، ۸(۲۵)، ۸۷-۱۰۳.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=112485>
- کلاه چیان . محمود (۱۳۹۸)، کارگزاران امنیت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، سال دوازدهم، شماره ۴۳، صفحه ۳۲-۵

- مختاری هشی، حسین. (۱۳۹۷). تبیین مفهوم ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیکی) و توصیه هایی برای ایران. فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک، (50)14، 56-82.
- مورگنتا، هانس جی. سیاست میان ملت‌ها: تلاش در راه قدرت و صلح. ترجمه: مشیرزاده، حمیرا (۱۳۷۴)، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- نامی، محمدحسن، و حیدری پور، اسفندیار. (۱۳۹۱). الگوی جدید برای محاسبه دقیق مساحت و طول مرزهای کشور ج.ا. ایران. جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، ۲(۲)، ۲۲۹-۲۴۸.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=173906>
- واتق، محمود، قالیباف، محمدباقر، غلامی، مجید. (۱۳۹۸). تدوین چشم انداز امنیتی مطلوب جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر مولفه های ژئوپلیتیکی. مطالعات راهبردی بسیج، ۲۲(۸۲)، ۱۲۹-۱۵۸.
- یزدان پناه درو، کیومرث. (۱۳۸۸). تغییرات مدل‌های ژئوپلیتیکی امنیت در عصر حاضر. فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک، ۵(۱۵)، ۹۸-۱۱۵.

ب - منابع انگلیسی

- Colin. s Gray (1988) *The Geopolitics of Super Power*. Lexington. KY: University Press of Kentucky.
- Grosse, T. G. (2014) 'Goeconomic Relations between the EU and China: The Lessons from the EU Weapon Embargo and from Galileo', *Geopolitics*, 19, 1, pp. 40-65
- Kearsley, H. J. (1990). A theory on maritime power for the not-aligned notnuclear naval powers: with Sweden and Ireland as case studies. Ph.D Thesis, Aberdeen, University of Aberdeen. 18.Kearsley, H. J. (1992). Rethinking maritime power theory. *Comparative Strategy*, 11(2), 195-211. DOI:10.1080/01495939208402871
- Mahan, A. T. (1889). *The Influence of Sea Power upon History 1660-1783*. Boston, Dover Publications
- OECD (۲۰۱۶), *The Ocean Economy in ۲۰۳۰*, OECD Publishing, Paris, <https://doi.org/9789264251724/10.1787-en>.
- Prescott, J. R. V. (1975). *The Political Geography of the Oceans*. London, Newton Abbot David & Charles Press.
- Sakhuja, V. (2011). *Asian Maritime Power in the 21st Century: Strategic Transactions China, India and Southeast Asia*. Singapore, Institute of Southeast Asian Studies (ISEAS) Press
- Till, G. (1982). *Maritime Strategy and the Nuclear Age*. London and Basingstoke, Macmillan Press LTD.
- Till, G. (2004). *Seapower: A Guide for the Twenty-first Century*. London, FRANK CASS Publishers.
- Till, G. (2005). *Seapower: A Guide for the Twenty-first Century*. London, Taylor & Francis e-Library.
- Till, G. (2009). *Seapower: A Guide for the Twenty-first Century (second edition)*. London and New York, Routledge Publication.
- UNCTAD Review of Maritime Transport, various issues. For 2006-2019, the breakdown by type of cargo is based on Clarkson Research Services, Shipping Review and Outlook, various issues